

فقه

اسلامی

من يرد الله به خير ا يفقهه
في الدين.

(حدیث شریف)

"کسی که خداوند بهوی اراده خیر فرماید
اور ا در امور دین داشتمند می سازد"

رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي ○
وَبَسِّرْ لِي أَمْرِي ○ وَاحْلُّ عُنْدَهُ ○
مِنْ لِّسَانِي ○ يَقْهُوا قَوْلِي ○
(قرآن کریم)

"ای زما پروردگاره ! زما سینه را پراخه کره !
او زما امر (درسالت) را ته آسان کره ! او زما
له زی خخه غوته پرانیزه ! چې (خلک) زما په
خبرو (بنه) و پوهه بیوی"

اگست 2018

ذوالقعدہ 1438

شماره دو صد و پنجاه و یکم

مطابقی اکثر مراجع تاریخی و از جمله کتاب (أسد الغابة في معرفة الصحابة - جلد 2) تأليف علامه عزالدين محمد بن محمد الشيباني المعروف به (ابن الأثير) به ابن عباس-رضي الله عنهمـ مـيـ رسـدـ اـبـنـ عـبـاـسـ رـضـيـ اللـهـ عـنـهـمـ دـاـسـتـانـ زـنـدـگـانـيـ وـ مـاـجـرـايـ سـفـرـ سـلـمـانـ فـارـسـيـ رـضـيـ اللـهـ عـنـهـ رـاـ اـزـ زـيـانـ خـودـ شـخـصـيـ مـيـدارـدـ :

سلمان به من گفت : من از أهل فارس از اصفهان هستم پدر من از جمله دهاقین و زمینداران ناحیه ما بنام (جی) بود، مرا بسیار دوست داشت و همیشه در کنار خود در خدمت مجوسيت (آتش پرستی) نگه میداشت ، من ناظر آتشی بودم که برای عبادت افروخته می شد و هیچ کاه خاموش نمی گردید.

پدرم در یکی از املاک خود عمارتی داشت و روزی به من گفت : پسرم تو می بینی که من در امر آتش تا چه حد مصروف هستم تو به آن زمین و عمارت برو و بعد از وارسی امور آن بزودی برگردی ، من روانه این مطلب شدم اما در عرض راه قبل از رسیدن به زمین پدرم به عمارت کلیسا نی گذر نمودم و دیدم که گروه نصاری مصروف عبادت هستند ، نزد آنها رفتم و دیدن عبادت آنها به مقایسه آنچه که ما در آتش و با آتشی داشتیم برای من دلچسپ بود ، تمام روز با آنها باقیماندم نه به طرف زمین رفتم و نه نزد پدرم بر

پروفیسور دکتور عبدالستار سیرت
خطاطات ایمانی

(11)

بسم الله الرحمن الرحيم

سلمان فارسی - رضی الله عنه -

جویند و یابنده حقیقت

از آتشکده اصفهان تا ادبگاه مدینه

(قسمت اول)

ابو عبدالله سلمان الفارسی - رضی الله عنه - معروف به (سلمان الخیر) ستاره درخشانی که از دیار شرق درخشید و چهره تابان او در فضای اسلام خاک و دود دوره مجوسيت و آتش پرستی را از بین برد و حتی نام و نسب قبل از اسلام خود را بزیان نمی آورد و هنگامیکه از نسب او پرسیدند گفت : (أنا سلمان بن الإسلام - من سلمان فرزند اسلام هستم).

سلمان فارسی - رضی الله عنه - سفر پرمشقت خود را (از آتشکده تا دانشکده) از کفار آتش در مجوسيت ، در میان کلیسا در مسیحیت و در خدمت یهود و قبائل یهودی از آتشکده اصفهان تا ادبگاه مدینه الرسول - صلی الله عليه وسلم - در جستجوی حقیقت در پایان سفر و بعد از رسیدن به حقیقت بیان می کند ، سند روایت و بیان سفر حقیقت یابی سلمان فارسی - رضی الله عنه - .

سلمان فارسی /

و اموال جمع شده را خودش برای خود ذخیره میکرد و مجموع آنچه که تا قبل از وفات خود جمع نموده بود به هفت کوزه طلا و نقره بالغ میگردید، به مجرد که وفات نمود من فساد مالی او را به مردم گفتم و محل ذخیره طلا و نقره را نیز نشان دادم ، مردم از شدت خشم او را سنگسار کردن و بدار آویختند و به عوض او شخص فاضل و صالحی را انتخاب نمودند که واقعاً شایسته آن مقام بود ، من هم گرویده اخلاق و شخصیت نیک او شدم و در خدمت او ادامه دادم و قبل از وفات او ازوی خواستم تا شخصیتی مانند خودش را به من معرفی کند تا در محضر او باشم ، شخصی را معرفی نمود که در (موصل) اقامت داشت. بعد از وفات او به سراغ دوست و هم مسلک او به موصل (شمال عراق) رفتم و خویشتن را از جانب دوستش معرفی نمودم ، به من اجازه اقامت داد. این شخص واقعاً مرد فاضل و عیناً مانند شخص قبلی بود ، در اواخر عمر او ازوی نیز خواستم تا کسی را معرفی کند که بعد از وی در خدمت او باشم، او گفت : من کسی را درین مناطق نمی شناسم اما یک نفر در (عموریه) وجود دارد که مطابق روش ما اجراءات می نماید (عموریه از توابع امپراطوری روم در شام بود) من بعد از وفات او روانه عموریه شدم و در آنجا به صحبت آن شخص رسیدم و او نیز بعد از شنیدن احوال من مرا پذیرفت و به من اجازه اقامت داد و امداد مالی هم نمود که به وسیله آن چند حیوان و مواشی کوچک بدست آوردم ، در پایان اقامت ازین شخص نیز پرسیدم که بعد از وی بکدام رهبر دینی تماس بگیرم ؟ او گفت : من کسی را سراغ ندرم که روش مذهبی ما را تعقیب نماید اما متوجه باشی که پیامبر جدیدی مطابق دین ابراهیمی حنیف مبعوث گردیده و سرزمین هجرت او نخلستان و باغهای خرما است و او نشانه های بارز دارد : در میان هر دو شانه (کتف) او مهرنبوت

گشتم، در پایان روز پدرم اشخاصی را عقب من فرستاده و از غیاب من ناراحت شده بود، تجربه آن روز مرا واداشت تا مسیحیت را نسبت به مجوسيت ترجیح بدهم و با خود می گفتم که این دین نسبت به دین ما بهتر است ، در اثر این علاقه به دین مسیحی از برخی پیروان آن در کلیسا پرسیدم : اصل و مرکز این دین در کجا است ؟ گفتند : در شام است . به نزد پدرم برگشتم ، بانگرانی از تأخیر عودتم پرسید ، گفتم : من با گروهی آشنا شدم که در کلیسا دعا میکردند و عبادت داشتند، وضع شان برای من دلچسب بود و من یقین کردم که دین آنها نسبت به دین ما بهتر است ، پدرم گفت : پسرم ! دین تو و دین پدران تو از دین آنها بهتر است . من گفتم : ابداً چنین نیست و بخدا قسم که دین آنها بهتر است ، پدرم به شدت برآشفته شد و به امر عدم خروج از کنار آتش پاهایم را با زنجیر اسارت بهم بست ، به صورت مخفی به آن نصاری پیامی فرستادم تا هرگاه کاروان یا اشخاصی روانه شام باشد مرا واقف سازند، آنها این درخواست را پذیرفتند و آنرا اجرا نمودند. من قید پاهایم را بدور انداخته و خویشتن را به کاروان سفر به سوی شام رساندم و به شام سفر نمودم.

تجربه مسیحیت در شام و عراق :

در شام در جستجوی عالم و رهبر مذهبی عیسوی شدم به من گفته شد که پیشوای مذهبی ما (اسقف) است ، اسقف بلند ترین رتبه مذهبی در مسیحیت بالاتر از رتبه (کشیش) و تقریباً معادل (پاپ) است ، نزد اسقف رفتم و حالت خود را بوی گفتم و از او خواستم به من موقع بدهد تا در خدمت او باشم و با اقامت در کنار او بحیث خادم مراسم مذهبی را بخوبی اجرا کنم ، او موافقه نمود و من باوی بودم اما در یافتم که او شخص فاسد و غیر مخلص در دین خود بود ، مردم را به صدقات امر مینمود

سلمان فارسی /

نگفتم که چه شور و شوقی در دل دارم ، شامگاهان که تنها بودم متعای از باعث با خود گرفتم و روانه محل آن اجتماع شدم و به منطقه (قبا) رسیدم و دیدم که شخصیت محبوبی در میان یاران شان تشریف دارند . به ایشان نزدیک شده و گفتم : متعای نزد خود به منظور صدقه داشتم و چون شما را شخص صالح و اصحاب شما را مستحق آن دانستم این صدقه را به شما تقدیم می کنم .

خودشان به صدقه توجه نکردند و به اصحاب شان اشاره نمودند که آنرا بگیرند ، دریافتم که یک نشانه درست بود ، من بر گشتم و ایشان هم به داخل مدینه تشریف فرما شدند ، بار دیگر متعای بدست آوردم و به خدمت شان رسیده و عرض کردم که : کرامت شما مرا گرویده ساخت و این بار هدیه ای به شما آورده ام و تقدیم می کنم ، هدیه را بخوشی قبول کردند ، علامت دوم نیز تحقق شد . روز دیگر خدمت شان رسیدم ، در حالت مشایعت جنازه به مقبره (بقیع) بودند و اصحاب شان نیز در خدمت حضور داشتند ، من به ادای سلام مشرف شدم و در عقب شان قرار گرفتم و میخواستم علامت سوم (مهر نبوت) را دریابم ، آنحضرت به تلاش من متوجه شدند و ردای^{*} مبارکی را که بر دوش داشتند از شانه برداشتند و مهر نبوت به وضاحت نمودار شد ، من بی صبرانه خود را بران انداختم و بوسیدم و چنان گریستم که رسول اکرم - صلی الله عليه وسلم - مرا بحضور خواستند و به امر شان در برابر شان نشستم و داستان سفر و احوال خود را از آغاز تا انجام بحضور شان بیان کردم ، با علاقه زیاد استماع فرمودند و خوش داشتند که اصحاب شان نیز آنرا بشنوند ، آن لحظه ای بود که من حق را دریافتم و به دین مقدس اسلام مشرف شدم (و الحمد لله على ذالک) .

است ، او صدقه را نمی پذیرد اما هدیه را قبول می کند ، اگر بتوانی خویشتن را به محضر او برسانی .

به سوی دیار یار :

این خبر و این نظر در دلم نشست و همینکه او وفات نمود روزی یک گروپ سواران عرب را دیدم که از قبیله عربی (بنی کلب) بودند و عازم دیار شان در کدام منطقه عربی گردیدند ، از آنها درخواست کردم که مرا با خود ببرند و در مقابل مواشی (گوساله و گوسفند) خود را به ایشان میدهم ، قبول کردند و مرا با خود بردند و به سرزمینی بنام (وادی القری) رسیدم (وادی القری وادی دارای قریه های زیاد در میان شام و مدینه واقع است) این گروه در وادی القری مرا به یک شخص یهودی فروختند . در آنجا نخلستان را دیدم و با خود گفتم شاید این همان دیار یار خواهد بود ، نزد این شخص بحیث غلام او بودم ، روزی شخص دیگری از یهود بنی قریظه نزد او آمد و مرا از او خریداری نمود و با خود برد و دیدم که در مدینه هستم و در نخلستان او به خدمت گماشته شدم و نشانه سرزمین هجرت را مشاهده نمودم ، من غافل بودم از اینکه الله . سبحانه و تعالی . در مکه پیامبری را مبعوث فرموده که مدینه را با هجرت خود منور می سازد .

روزی من بر فراز درخت خرما بودم که پسرعم بادر من وارد بستان شد و خطاب به بادر من گفت : ای فلاں ! من قبل‌گذری در اجتماع (بنی قیله - یعنی - اوس و خرج) داشتم و دیدم که بدور شخصی جمع شده بودند و می گفتند که او رسول الله است و از مکه نزد آنها آمده است از شنیدن این خبر احساس عجیب در من ایجاد شد ، عنقریب از فراز درخت خود را بزمین انداخته بودم ، بی صبرانه از آنها پرسیدم این چه خبر است ؟ بادر من در خشم شد و امر کرد به کار خود ادامه بدهم ، به آنها

الله عنہ . از قید غلامی آزاد گردید ، مقام سلمان . رضی الله عنہ . به پیشگاه رسول اکرم . صلی الله علیہ وسلم . در جمله بزرگان صحابه و مقرب ترین آنها به نزد آنحضرت . صلی الله علیہ وسلم . شناخته شده بود .

أم المؤمنين عائشه صدیقه . رضی الله عنہا . گفته است : رسول الله . صلی الله علیہ وسلم . برای سلمان شبانه مجلس خاص داده بود و سلمان بحدی طرف توجه و نوازش رسول الله . صلی الله علیہ وسلم . بود گویا که صحبت سلمان عنقریب نسبت بما نیز نزد آنحضرت . صلی الله علیہ وسلم . موقع بیشتر پیدا کند .

در عملیه (مؤاخات) برادرگرفتن ، رسول اکرم . صلی الله علیہ وسلم . سلمان . رضی الله عنہ . را برادر ابو الدرداء . رضی الله عنہ . تعیین فرمود ، سلمان مدتی در منزل ابوالدرداء با هم زندگی نمود ، ابوالدرداء ، در شب قیام و در روز صیام داشت و در عبادت نفلی مبالغه مینمود ، سلمان این شیوه او را تأیید نمی کرد و روزی سلمان کوشش کرد تا وی را از گرفتن روزه نفلی منع کند . ابو الدرداء به لهجه عتاب به سلمان گفت : آیا مرا از روزه و نماز به پروردگارم باز میداری ؟ سلمان در جواب گفت : « چشمان تو بر تو حق دارند ، فامیل تو بر تو حق دارند ، روزه بگیر و افطار کن ، نماز بگزار و خواب نما ». این گفتمان به اطلاع رسول الله . صلی الله علیہ وسلم . رسید و فرمودند : (لقد أشبع سلمان علمًا) سلمان واقعاً مملو از دانش است .

علی بن ابی طالب . رضی الله عنہ . سلمان . رضی الله عنہ . را به تقدیر از حکمت و دانش وسیع او به لقب (لقمان حکیم) یاد میکرد و او را به بحری از دانش و علم شباht میداد .

* دستمال یا چادر .

سلمان فارسی – رضی الله عنہ — صحابی جلیل و محبوب رسول الله – صلی الله علیہ وسلم – : در نخستین ایام هجرت رسول اکرم – صلی الله علیہ وسلم – از مکه به مدینه سفر دراز و پرمشقت سلمان . رضی الله عنہ . که از آتشکده اصفهان و از خانواده عیش و نعمت آغاز یافته بود با گذرو انتقال از شهر به شهر در دیار و مناطق شام و عراق و در مراکز مختلف مسیحیت به حالت فقر و مشکل ادامه یافت و بالآخره در دام ظلم تجار یهود افتاد و در بازار خرید و فروش غلام عرضه شد و سر انجام بحیث غلام شخصی از یهود بنی قریظه خویشن را در دیار یار در مدینه یافت ، و این همان ایامی است که سفر هجرت رسول اکرم . صلی الله علیہ وسلم . به آخرین ایستگاه آن در منطقه (قبا) رسیده بود ، سلمان . رضی الله عنہ . در همان باب ورودی مدینه بدیدار یاری که عمری در جستجوی او بود مشرف شد و سپس در داخل مدینه در قطار اصحاب جلیل پیامبر بزرگ اسلام محمد مصطفی . صلی الله علیہ وسلم . قرار گرفت و تاج (رضی الله عنہ) بر سر نامش گذاشتند . سلمان . رضی الله عنہ . صحابی جلیل و محبوب رسول الله . صلی الله علیہ وسلم .

قلب سلمان به نور اسلام روشن شد و زبانش بذکر توحید آغاز کرد در حالیکه پای او در قید غلامی است ، تجربه (بلال بن ریاح . رضی الله عنہ .) به شکل دگری در حالت سلمان تکرار می شود ، سلمان در دو سال اول در حالیکه صحابی محبوب و نزدیک رسول اکرم . صلی الله علیہ وسلم . به خاطر قید غلامی از اشتراک در (غزوه بدر و أحد) محروم شد و تا هنوز توان آنرا نداشت که مصارف آزادی خود را به بادر ظالم یهودی تادیه نماید . رسول اکرم . صلی الله علیہ وسلم . متوجه این امر شدند و به سلمان امر کردند که خود را از طریق (مکاتبه . آزادی در مقابل مال) آزاد کند و به اصحاب کرام امر فرمودند که سلمان را آزاد کنید و مصارف آزادی سلمان را تدارک نمائید ، این امر مبارک اجرا شد و سلمان . رضی

قضائی نماز جمعه

حکم نماز جنازه برای زنان

اول : شیخ سید سابق صاحب کتاب فقه السنہ این جواب را میدهد :

مانع شرعی در اشتراک زنان در نماز جنازه وجود ندارد و اگر حاضر بودند باید نماز جنازه را بخوانند. در حکم فقهی موضوع اشتراک زنان در نماز جنازه آمده که : جائز است که زنان مانند مردان نماز جنازه را بخوانند چه بصورت انفرادی و یا بشکل جماعت. حضرت عمر انتظار کشید تا مادر عبدالله نماز جنازه عتبه را خواند و بی بی عایشه امر کرد تا جنازه سعد بن ابی وقار را بیآورند تا بروی نماز بخواند.

امام التووی می گوید : لازم است برای زنان در نماز جنازه جماعت ترتیب شود یعنی در جماعت بخوانند مثیلکه در نماز های دیگر به جماعت می خوانند و همین نظریه الحسن بن صالح و سفیان ثوری و امام احمد و امامان مذهب حنفی می باشد.

دوم : از کتاب الفتاوی النسائیه (کتاب فتوواها برای زنان) : زنان مانند مردان اگر نماز جنازه حاضر شد باید نماز بخوانند و ثوابی که مردان از نماز جنازه میگیرند زنان نیز همان ثواب را میگیرند. مؤرخین میگویند که مردان و زنان جنازه رسول الله صلی اللہ علیه وسلم را خوانند. اگر جنازه حاضر شد باید که زنان با مردان نماز آنرا بخوانند.

حکم و فتن زن به حج بدون محروم

دارالافتاء مصراین فتوا را میدهد :

موجود بودن محروم و یا شوهر برای امنیت زن در سفر است و با این هم جمهور علماء اتفاق دارند که برای آسانی سفر حج برای زن اگر همراهان در سفر باشند و شوهر و محروم نباشد در سفر به حج مانع نیست. فقهای مذهب حنفی موجود بودن محروم و شوهر را به

سؤال : من به نماز جمعه رسیده نتوانستم، آیا نماز جمعه را قضائی بخوانم ؟

جواب : (الفتاوی) کسیکه بسبب عذر شرعی نماز جمعه را حاضر شده نتوانست نماز ظهر را بخواند.

سؤال : آیا خطبه در نماز جمعه شرط حتمی است ؟

جواب : از مجمع فقهاء الشريعة بأمريكا :

فقهاء هر چهار مذهب اهل سنت و جماعت اتفاق کامل دارند که خطبه شرط صحت نماز جمعه است. همچنان فقهاء در دو شرط دیگر خطبه جمعه با هم اتفاق نظر دارند :

1) بعد از داخل شدن وقت نماز جمعه باشد (یعنی قبل از داخل شدن نماز جمعه نباشد).

2) قبل از نماز خطبه است بعد از نماز.

لیکن فقهاء در مورد اینکه آیا خطبه بزبان عربی شرط است یا نه با هم اختلاف دارند و جمهور این شرط را صواب نمیدانند.

سؤال : آیا ممکن است در نماز منفرداه انسان بصدای بلند قرائت کند ؟

جواب : مجمع فقهاء الشريعة بأمريكا :

جواز دارد که شخص در نماز که جهر است به صدای بلند بخواند و در نمازی که به جهر نیست به جهر نخواند.

امام التووی در (المجموع) می نویسد : مستحب است یعنی خوب است که انسان در نماز های که به جهر خوانده میشود به جهر مثیلکه امام میخواند بخواند ، لیکن زن اگر در حضور مردان نماز میخواند به جهر نخواند.

امامان مذهب حنفی و حنبیلی نظر میدهند که شخص آزاد و مختار است که در نماز جهری به جهر میخواند و یا نمیخواند.

تربيه ايماني

(قسمت اول)

تربيه در عصر حاضر يکی از مهمترین مشکل برای جامعه اسلامی نه تنها در داخل کشور های اسلامی بلکه مشکل بزرگ و مسئولیت عظیم برای مسلمانان مهاجر در کشور های غیر اسلامی میباشد و میتوان گفت که بزرگترین مشکل که مسلمانان در عصر حاضر به آن مواجه میباشند تربیه نسل معاصر است.

تعريف تربیه: تربیه در ادبیات زبان به اصطلاح تغذیه و نمو و ثقافت و زیادت و نشأت تعریف شده است و در اصطلاح علم عبارت از عملیه دوام دار و مستمر است که تمام حرکت و فعالیت های انسان را شامل می شود. در فرهنگ زبان ریشه تربیه از (ربا ، یربو) گرفته شده و معانی ذیل را افاده میکند : زیادت ، نمو ، نشأت ، حفظ شئ ، حسن قیام به طفل تا به مرحله ادرارک برسد. تأدیب طفل یعنی با ادب ساختن طفل را معنی می دهد. (الفیروز آبادی ، القاموس المحيط و ابن المنظور، لسان عرب جلد دوم ص 401).

تربیه از جمله کلمات است که در زندگی خصوصی و عمومی انسانها از قدیم الزمان مورد استفاده قرار دارد و در جمله مفاهیم است که در بین انسانها با تفاوت های عقیده تی و نژادی و زبانی و فکری رایج می باشد . تربیه از ضرورت های زندگی بشر است و هدف از آن تحقق یافتن تکامل و توازن سلوک و روش انسان میباشد . تربیه اکثر جوانب حیات انسان و خواهشات و ضروریات نموی فکری و فرهنگی و جسمی را در مراحل مختلف زندگی تنظیم و ترتیب می نماید .

اصطلاح تربیه و معانی آن از یک تخصص تا تخصص دیگر در علوم انسانی تفاوت میکند ، بطور مثال در علوم انسانی و اجتماعی و دیدگاه این علوم از فرد و جامعه ملاحظه میشود که معانی و اصطلاح تربیه تفاوت دارد . انسان همیشه در تغییر و تحول

سفر حج حتمی و ضروری میدانند و در رأی خود سن و سال زنرا شرط نمی دانند و واجب شدن حج را برای زن موجود بودن محرم و یا شوهر میدانند که در حالت عدم موجود بودن محرم و یا شوهر حج را برای زنان واجب نمیدانند .

مگر من (مفتی مصر) به رأی جمهور علماء برای زن سفر حج را اگر همسفراز با امن باشند بدون محرم و شوهر جواز میدانم و اگر زن در هر سن و سال باشد که این سفر با امنیت در قافله های حج و کاروانهای حج مسیر و امکان پذیر می باشد .

اگر زن در وقت حج مريض شود (نفس و حيض)

مفتی مصر جواب میدهد

حيض و نفس را خداوند در زنان گذاشته است لذا زنان را نسبت به حيض و نفس که برای شان پيش ميشود احکام خاص را بخود دارند .

زن اگر در وقت حج مريض ميشود تمام مناسک حج را اداء کند مثل احرام، ایستاده شدن در عرفات و جمرات (شیطان زدن) و دیگر اركان را در حالیکه حيض دارد فقط به طواف خانه کعبه نزود زیرا طوف خانه شرط آن طهارت است .

زن اگر قبل طواف افاضه مريض شد و نمیتوانست تا ختم حيض در مکه مكرمه باقی بماند شخص دیگر را از طرف خود برای طواف و کيل بگيرد و وکيل باید اول از طرف خود طواف کند و بعدا از طرف کسيکه ويرا و کيل گرفته است و یا اينکه دواي قطع خونريزی را بگيرد و غسل کند و طواف نماید .

آن در فکر اسلامی تعمیق ایمان به خداوند در نفس های مسلمانان است. اسلام مسلمانان را طوری تربیه می کند که عبادات را از طریق فهم و دانش انجام دهنده و از مطالعه کائنات و نظام ثابت و محکم آن که دلالت به عظمت خالق دارد او تعالی را بشناسند و عبادت نمایند.

در نظام تربیوی اسلام اهتمام و توجه به تربیت حیات مسلمان به جوانب مختلف آن دارد مثل: تربیه فکری، عاطفی، جسمانی، اجتماعی و اخلاقی و در مجموع بناء علمی و منهج تربیوی و تنظیم اصول ثابت برای تربیه باسas تعالیم دین مقدس اسلام. اسلام تربیه شامل را در تمام امور زندگی فرد مسلمان می خواهد و از راه تربیه سالم می خواهد انسان را از خطر تهاجم فکر خارجی و انحرافات اخلاقی و افکار الحادی حفظ و مسلمان را آماده مشارکت در آبادی زمین سازد.

تربیه اسلامی آماده ساختن فرد مسلمان در تمام نواحی زندگی از آغاز مرحله طفولیت تا وفات به هدف سعادت دنیا و آخرت در ساحة و روشنائی مبادئ و قیم ثابت اسلام و روش معاصر تا فرد مسلمان قادر به زندگی معاصر با حفظ هویت اسلامی باشد و بتواند در مقابل حملات فکری و ایدولوژیکی و فلسفه های مادی معاصر مقاومت نماید و از پیشرفت علمی جهان معاصر استفاده کند. امتیاز و شمولیت تربیه اسلامی در آن است که تربیه اسلامی شامل تمام جوانب نمو صحی و عقلی و فکری و اعتقادی و روحی و اخلاقی و حفظ اراده فرد میباشد و مراحل مختلف زندگی انسان را تنظیم می نماید.

اهمیت تربیه در اسلام: تربیة اسلامی اصل و ریشه آن اسلام است و اسلام دو جانب دارد: عقیده و شریعت. عقیده فکر کلی و یقینی از کائنات و انسان و زندگی قبل از حیات و بعد از حیات و رابطه بین این دو

است و محیط زیست نیز ثابت نیست. تحول انسان و تغییر محیط و زمان فکر انسان را در تعریف تربیه معین می کند و به همین دلیل معانی و مفاهیم تربیه از یک منطقه تا منطقه دیگر تفاوت دارد.

اهداف تربیه :

تربیه غریزه ای اساسی است که خداوند سبحانه و تعالی در وجود انسان امی ، متعلم ، عالم ، مسلمان و غیر مسلمان گذاشته است و هر انسان در هر دین و مذهب فکری و فلسفی که است برای تربیه اولاد اش سعی و کوشش می کند . هدف از تربیه آماده ساختن طفل از طریق تعلیم و فرهنگ و ثقافت و غرس معلومات و معارف است تا برای ادامه زندگی آماده و قادر باشد.

تربیه در نظام اسلامی:

بعد از عصر عیسیویت که هدف از آن اصلاح اخلاق و تهذیب نفس و روح و آنچه یهودیت آنرا فاسد ساخته بود اسلام آمد و هدف از آمدن اسلام اصلاح آنچه پیروان عیسیویت و یهودیت فاسد کرده بودند بود. اسلام نسبت به یهودیت و عیسیویت نظر جامع و کامل به انسان و تربیت او دارد و به انسان از جوانب روحی ، معنوی و مادی می بیند و بین روحانیت و معنویت و مادیت تفرقی را نمی پذیرد و در تربیه معنوی و مادی و روحانی انفال و جدائی را قبول ندارد.

در نظام تربیوی ، اسلام توجه خاص و جدی به تعلیم نمود و مسلمانان را امر و تشویق به آموختن علم کرد و قرآن کریم مردم را متوجه علوم انسانی و طبیعی ساخت و تفاوت و فرق را بین کسانیکه میدانند و نمی دانند گذاشت «هل یستوی الذين يعلمون والذين لا یعلمون». تربیه اسلامی شامل تربیة اخلاق ، روح ، قوت و صحت جسم ، فضیلت و صفات خوب مثل اخلاص ، وفاء ، عزت مهمان و غیره است . اساس و جوهر تربیه در اسلام اقتباس یافته از فلسفه دین اسلام . تربیه در اسلام متوازن است و به دنیا و آخرت بصورت مساوی توجه دارد . هدف از تربیه و تعلیم علوم به تخصصات مختلف

5. عصر برنامه سازی و پلان گذاری و عدم قبول
بی نظمی و اعتماد به نفس.
6. عصر تفکر به آینده و عدم توقف به حاضر و
عدم بازگشت به گذشته
- نقاط منفی عصر:
1. عصر غلبه مادیات و نفع برداشتن و تنها بخود فکر کردن
 2. عصر اشباع شهوت.
 3. عصر وسائل و افزار.
 4. عصر پریشانی و امراض روانی و مشکلات اجتماعی و جدائی بین افراد جامعه
- وظیفه تربیوی در عصر حاضر اقتضا می کند تا انسان در عصری که در آن زندگی دارد آنرا صحیح درک کند و از وسائل مفید آن استفاده و از عناصر رشت و خراب کننده ای آن دوری و اجتناب نماید و این وظیفه خانواده و مؤسسات تربیوی است که نسل معاصر را به گذشته ارتباط و برای آینده تربیه نمایند.
- تربیه در عصر حاضر روش و طریقه های جدید را از والدین و معلمان و مؤسسات تربیوی می خواهد و اگر اولیاء امور و مؤسسات تربیوی از روش جدید در تربیه استفاده نکنند بدون شک زحمات شان بی نتیجه خواهد بود. در عصر حاضر مسئولیت تربیه اطفال و نسل جدید مسئولیت فردی و خانوادگی نیست و شرایط جدید مسئولیت تربیوی را مسئولیت مشترک بین مؤسسات تعلیم و تربیه و انجمن ها و مساجد و خانواده می سازد و این امر زمانی تحقق می یابد که همکاری مشترک ایجاد شود. (برای معلومات بیشتر به کتاب : ازدواج و تربیه در فکر معاصر اسلامی ، فضل غنی مجدد مراجعه فرماید. این کتاب تا دو ماه دیگر از طبع بیرون خواهد شد إن شاء الله).

Mogaddedi Fazl Ghani
201 Washington Blvd # 104
Fremont , ca 94539
U.S.A
Tel (510) 979 – 9489
fazlghanimogaddedi@yahoo.com
Islaminfo.one

مرحله را می سازد. اسلام دین انسانی و جهانی میباشد و دعوت آن مخصوص برای یک منطقه و قوم و زمان نیست و مهمترین هدف از اصلاح آنچه قبل از آن توسط پیروان عقائد سماوی فاسد شده بود میباشد به عبارت دیگر اسلام حرکت اصلاحی است و اهداف اصلاحی اسلام را میتوان به نقاط ذیل خلاصه کرد:

1. تحریر یا آزاد ساختن عقل انسان از تقلید و خرافات از راه ایمان به خداوند و توجیه و رهنمائی عقل بسوی دلیل و برهان و تفکر سالم.
2. اصلاح فرد در نواحی نفسانی و اخلاقی و توجیه انسان بسوی خیر و احسان.
3. اصلاح جامعه تا امنیت و عدالت و کرامت انسانی در آن حفظ شود.

اشارة شد که تربیه از یک منطقه تا منطقه دیگر و از یک عصر تا عصر دیگر بعض تفاوتها دارد و مشکل عمومی جامعه اسلامی در اصول تربیه عدم فهم صحیح از عصری که در آن زندگی دارند میباشد. مهمترین چیز در فهم عصر ، معرفت دقیق و صحیح از عصری است که در آن زندگی داریم زیرا جهل و نادانی از عصر و معرفت غیر صحیح و غیر حقیقی از آن عواقب بسیار و خیم دارد. دانشمندان معاصر اسلامی میگویند که مشکلات مسلمانان در جهل و نادانی از اسلام نیست بلکه در جهل و نادانی نسبت به عصری است که در آن زندگی دارند.

عصر معاصر شامل خوبی های و زشتی ها است و برای ما لازم است تا خوبی و زشتی های عصری که در آن زندگی داریم بدانیم و از ایجابیات آن استفاده و از سلبيات آن دوری نمائیم . نقاط مثبت و خوب عصر حاضر عبارت است از:

1. عصر علم و تکنالوژی.
2. عصر آزادی و حقوق انسان
3. عصر سرعت و تغییر.
4. عصر همکاری و تشکیل انجمن ها و مؤسسات بزرگ.